

## مطالعه تطبیقی روایت سبع سنین با نظریات تربیتی

محمدتقی مبشری<sup>۱</sup>

فهمیه سادات مشعشع<sup>۲</sup>

### چکیده

**هدف:** هدف از انجام این مطالعه، تحلیل روایت «سبع سنین» و بررسی مراحل تربیت فرزند و تطبیق آن با دیدگاه برخی از صاحب‌نظران علوم تربیتی بود. **روش:** این پژوهش کتابخانه‌ای و با روش تحلیلی-اسنادی انجام شده است. **یافته‌ها:** روش تربیتی ارائه شده توسط پیشوایان دینی (صلوات‌الله‌علیهم‌اجمعین) در روایت «سبع سنین» بر اساس نیازها و توانایی‌های کودک، در سه مرحله رشد هفت ساله قرار داشته و نظریات دانشمندان علوم تربیتی، تا حدود زیادی مطابق توصیه‌های ارائه شده در روایت مذکور است. **نتیجه‌گیری:** برای شکوفایی استعدادها و فرزندان و تربیت صحیح آنان، مدل ارائه شده توسط ائمه هدی، مدلی کامل است و برای رسیدن به این مهم لازم است والدین و مربیان تربیتی با این مدل و راهکارهای اجرایی آن آشنا و آموزش داده شوند.

**واژگان کلیدی:** روایت سبع سنین، تربیت، کارشناسان علوم تربیتی.

دریافت مقاله: ۹۹۰۷/۱۸؛ تصویب نهایی: ۰۰/۰۱/۲۳

۱. دکتری علوم قرآن و حدیث، استادیار گروه الهیات و معارف اسلامی دانشگاه فرهنگیان استان تهران، تهران (نویسنده مسئول). نشانی:

تهران: شهرری، خیابان میثم شمالی، پردیس شهید مفتح. شماره ۵۵۹۵۵۴۷ / Email: Mt\_mobasheri@yahoo.com

۲. کارشناس ارشد علوم قرآن و حدیث، دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران.

## الف) مقدمه

اسلام به عنوان مکتبی نظام‌مند، روشهای تربیتی خاص خود را دارد. در این منظومه تربیتی، خانواده از مهم‌ترین ارکان محسوب می‌شود. در روش تربیتی اسلام، تربیت باید در فضای عاطفی دنبال شود تا در نهایت، در مسیر بندگی حضرت حق قرار گیرد. برای رسیدن به چنین هدف ارزشمندی، پیشوایان دینی بر اساس نیازها و توانایی‌های کودکان، سه مرحله رشد هفت ساله را ارائه کرده‌اند که بر اساس آن، خانواده مرکز ثقل تحقق خواهد بود.

از منظر حضرت علی(ع)، ادب بهترین چیزی است که پدران برای فرزندان خود به ارث می‌گذارند (محمدی ری‌شهری، ۱۳۸۹: ۱۴۶). فرزندانی که در مرحله اول تربیت خود، فارغ از هر آموزشی، غرق در عشق و محبت شده و به وسیله بازی به کشف حقایق می‌رسد، دارای شخصیت فوق‌العاده‌ای می‌شود. زمانی که کودک احساس کند پدر و مادر در کنار او هستند، به آنان اعتماد می‌کند و آنان را تکیه‌گاه خود در زندگی می‌شمارد و در نتیجه، از راهنمایی‌ها و تجربیات آنان بهره می‌گیرد و به راحتی وارد دوره دوم تربیت که مرحله تعلیم است می‌شود. در جوانی نیز که وارد اجتماع می‌شود، در پیشامدها و مشکلات، والدین را از خویش می‌داند و با آنان به مشورت می‌نشیند (فرهادیان، ۱۳۷۹: ۱۸). از نظر اسلام، دوران اولیه زندگی، دوره تربیت است. در این سن، تربیت حق فرزند است. بدون شک اگر والدین در این مرحله وظیفه خود را به خوبی به انجام رسانند، فرزندان به خوبی پرورش می‌یابند (فانمی، ۱۳۷۸: ۳۴۳). هنگامی که در دوره اول تربیت، فرزند به جای بازی و کشف استعدادها، با محدود کردن و ترساندن کنترل می‌شود و در دوره دوم تربیت، فرزند رها شده و تربیت او به مدرسه سپرده می‌شود و در زمانی که نوجوان در پی یافتن هویت و استقلال است و بر خلاف نظرات والدین خود ابراز وجود می‌کند، والدین در اندیشه تربیت فرزند می‌روند. در دوره‌هایی که به نام دوره وزارت معرفی شده است، امر تربیت آغاز می‌شود و نتیجه این می‌شود که فرزند آماده عصیانگری شده و تذکرات بی‌درپی و غیرمنطقی والدین، آتش لجاجت و عناد را در او شعله‌ور می‌کند. در این موقع است که والدین به فکر چاره افتاده و به دنبال مشاور می‌گردند؛ در حالی که دین اسلام برای تربیت فرزندان، روشهای ارزشمندی را معرفی کرده است؛ روشهایی که مسلمانان یا از آن بی‌خبر بوده یا نسبت به آنها بی‌توجهی کرده‌اند. برای رسیدن به این مهم، اولیای دین بر اساس نیازها و توانایی‌های کودکان، مراحل رشد هفت ساله را ارائه کرده‌اند که بر اساس آن، خانواده کانون مرکزی آن خواهد بود.

الهامی‌نیا و احمدی (۱۳۷۸) در کتاب «تعلیم و تربیت در اسلام»، به بررسی روایت سبع سنین و مراحل تربیت به روشهای تربیت اسلامی فرزندان پرداخته‌اند. اسلامپور (۱۳۸۵) در مقاله «روشهای تربیتی در قرآن» به مراحل رشد در تربیت اسلامی و مهم‌ترین شیوه‌های آن پرداخته است. ادیب (۱۳۹۰) در کتاب «تربیت دینی

کودک و نوجوان» به بحثی درباره دوره‌های مختلف تربیت و نکات مهم روشهای تربیتی پرداخته است. سید جواد خاتمی و سیده سمیه خاتمی (۱۳۹۲) در مقاله «پیامدهای اخلاقی- تربیتی حدیث الولد سید سبع سنین» به سیادت فرزند در دوره هفت ساله اول و آثار اخلاقی و تربیتی این حدیث در دوره اول پرداخته‌اند. پسندیده (۱۳۹۵) در مقاله «روایات سبع سنین در فرزندپروری- گونه‌ها و تحلیل درونی» درباره انواع احادیث سبع سنین و گونه‌های متفاوت آن و سند و راویان آنها مطالب ارزشمندی بیان کرده است. توجه به این نکته لازم است که پژوهشهای انجام شده، عمدتاً در خصوص تربیت دینی‌اند و اینکه به خصوص به روایت سبع سنین پرداخته و آن را با دیدگاه عالمان علوم تربیتی تطبیق داده باشند، انجام نشده است.

پژوهش حاضر در پی پاسخگویی به پرسشهای ذیل است:

۱. مراحل سه‌گانه تربیت بر اساس آموزه‌های دین اسلام چیست؟
۲. به چه میزان دیدگاه دانشمندان علم تعلیم و تربیت با تعالیم دین اسلام هماهنگ است؟
۳. نتایج تربیتی بیان شده در آموزه‌های دینی چیست؟

## ب) روش پژوهش

در این پژوهش، ابتدا به نقلهای متفاوت روایت سبع سنین می‌پردازیم. سپس به تحلیل معانی عبارات روایات و عناصر و کارکردهای اختصاصی دوره‌ها پرداخته می‌شود.

### ۱. نقلهای متفاوت روایت سبع سنین

این روایت با عبارتهای متفاوتی بیان شده است. در برخی روایتهای عبارت «الولد سید» آمده و در روایات دیگری «یرحی الصبی». عبارتهای «دع اینک»، «أمهل صبیک» و «الغلام یلعب» نیز در نقلهای دیگری آمده است.

#### «الولد سید»

از نبی گرامی اسلام (ص): «الولدُ سیدٌ سبعِ سنینَ و عبدٌ سبعِ سنینَ و وزیرٌ سبعِ سنینَ، فإن رَضیتَ أخلاقَهُ لِحَدی و عَشْرینَ و الأفاضلِ علی جنبِهِ فَقَدْ اعتَدَرَتِ الی الله تعالی؛ فرزند هفت سال آقا و سرور است و هفت سال بنده است و هفت سال وزیر است. پس اگر از اخلاقش رضایت یافتی، تا ۲۱ سالگی (خدا را شکر کن) و اگر نه، ضربه‌ای بر پهلو او بزن و عذری نزد خدا بر تو نیست». (طبرسی، ۱۳۸۱، ج ۱: ۲۲۲)

## 298 ♦ مطالعه تطبیقی روایت سبع سنین با نظریات تربیتی

سید در لغت عرب به معنای متولی مردم بودن، صاحب اختیار، مالک، شریف، فاضل، کریم و رئیس مردم است. (ابن منظور، ۱۴۱۴)

### «یِرْخَى الصَّبِي»

«يِرْخَى الصَّبِيُّ سَبْعًا وَيُؤَدَّبُ سَبْعًا وَيَسْتَحْدَمُ سَبْعًا وَيَنْتَهِي طَوْلُهُ فِي ثَلَاثٍ وَعِشْرِينَ وَعَقْلُهُ فِي خَمْسٍ وَثَلَاثِينَ، وَمَا كَانَ بَعْدَ ذَلِكَ فَالْتَّجَارُبُ»؛ مهلت بده کودک را هفت سال و تأدیبش کن هفت سال و او را به کار بگیر هفت سال و (تربیت او) ادامه پیدا می کند تا ۲۳ سالگی و عقلش در ۲۵ سالگی (تکمیل می شود) و هر چه بعد از این هست، تجارب است. (طبرسی، ۱۳۸۱، ج ۱: ۲۲۳)

«يُرْبِي الصَّبِيَّ سَبْعًا وَيُؤَدَّبُ سَبْعًا وَيَسْتَحْدَمُ سَبْعًا وَمُنْتَهَى طَوْلُهُ فِي ثَلَاثٍ وَعِشْرِينَ سَنَةً وَعَقْلُهُ فِي خَمْسٍ وَثَلَاثِينَ (سنه) و ما كان ذلك فبالتجارب»؛ کودک در هفت سال پرورش می یابد و در هفت سال دوم، ادب می شود و در هفت سال سوم به کارگیری می شود و (تربیت او) ادامه پیدا می کند در ۲۳ سال و (کمال) عقل او در ۲۵ سالگی است و هر چه بعد از این هست، با تجارب است. (شیخ صدوق، ۱۴۰۴، ج ۳: ۴۹۳)

«یِرْخَى» از ریشه رخو، به معنای وسعت و گشایش، نرمی و انعطاف، کندی در اقدام، آسانی و رها گذاشتن است (ابن منظور، ۱۴۱۴). با توجه به نقلهای موجود دیگر که با تعبیرهای «دَع»، «امهَل»، «يلعب» و «سید» آمده اند، می توان احتمال داد که واژه «یِرْخَى» صحیح است. (پسندیده، ۱۳۹۵: ۸)

### «دَع ابْنَكَ»

این روایت از امام صادق (ع) به سه گونه نقل شده است:

«دَع ابْنَكَ يَلْعَبُ سَبْعَ سِنِينَ وَالزَّمَهُ نَفْسَكَ سَبْعًا فَإِنْ أَلْحَ وَأَلَّا فَإِنَّهُ مِمَّنْ لَا خَيْرَ فِيهِ»؛ رها کن فرزندت را تا هفت سال بازی کند و او را همراه خود کن تا هفت سال، پس اگر رستگار شد [که هیچ] و اگر نشد، پس خیری در آن نیست. (کلینی، ۱۳۸۸، ج ۶: ۴۶)

«دَع ابْنَكَ يَلْعَبُ سَبْعَ سِنِينَ، وَيُؤَدَّبُ سَبْعَ سِنِينَ وَالزَّمَهُ نَفْسَكَ سَبْعَ سِنِينَ، فَإِنْ أَلْحَ وَأَلَّا فَإِنَّهُ مِمَّنْ لَا خَيْرَ فِيهِ»؛ فرزندت را آزاد بگذار تا هفت سال بازی کند و هفت سال دوم را به تربیت و ادب بپرداز و هفت سال سوم را با خود همراه کن تا در امور زندگی دخیل و شریک شود. پس اگر رستگار شد [که هیچ] و اگر نشد، پس خیری در آن نیست. (شیخ صدوق، ۱۴۰۴، ج ۳: ۴۹۲)

«دَعِ ابْنَكَ يَلْعَبُ سَبْعَ سَنِينَ وَيُؤَدِّبُ سَبْعًا وَالزَّيْمَةُ نَفْسَكَ سَبْعَ سَنِينَ، فَإِنْ فَلَاحَ وَإِلَّا فَلَا خَيْرَ فِيهِ»؛ رها کن فرزندت را تا هفت سال بازی کند و او را هفت سال ادب کن، پس اگر رستگار شد (که شد) و اگر نشد، پس خیری در آن نیست. (طبرسی، ۱۳۸۱، ج ۱: ۲۲۲)

«دَعِ» از ریشه وَدَعَ به معنای رها کردن و ترک کردن است (ابن فارس، ۱۳۹۹). در روایت اول به دو مرحله تربیتی اشاره شده، در حالی که در دو روایت بعدی، سه دوره بیان شده است. در هر سه روایت، مرحله نخست و پایانی مشترک اند و تفاوت آنها در «یؤدب سبعا» است که میان آن دو اضافه شده و مراحل تربیت به سه دوره افزایش یافته است.

«امهل صبیك»

این عبارت نیز از امام صادق (ع) و با دو نقل بیان شده است:

«امهل صبیك حتی یأتی له ست سنین، ثم ضممه الیک سبع سنین فأدبه بأدبک، فإن قبل و صلح و آلا فخل عنه»؛ فرزندت را مهلت بده تا شش سال از او بگذرد، سپس او را همراه خودت کن برای هفت سال؛ پس او را با ادب تأدیب کن، پس اگر قبول کرد و صالح شد [که هیچ] و اگر نشد، او را رها کن. (کینی، ۱۳۸۸، ج ۶: ۴۷)

«امهل صبیك حتی یأتی علیه ست سنین، ثم أدبه فی الكتاب ست سنین، ثم ضممه الیک سبع سنین فأدبه بأدبک، فإن قبل و صلح و آلا فخل عنه»؛ فرزندت را تا شش سال تحمل کن و تا شش سال بر اساس قرآن تربیت کن و تا هفت سال طبق موازین ادب خود، او را ادب کن و اگر ادب پذیر بود، چه خوب و گرنه او را رها کن. (طبرسی، ۱۳۸۱، ج ۱: ۲۲۲)

«امهل» از ریشه مهَل، به معنای سکون، رفیق، مهلت دادن و شتاب نکردن است (ابن فارس، ۱۳۹۹). در این عبارت، روایت اول به دو دوره و روایت دوم به سه دوره اشاره کرده است؛ ولی نکته مشترک آنها، اشاره به مرحله آغازین و پایانی، با عبارت همانند است و تفاوت آنها، اضافه شدن دوره میانی در نقل مرحوم طبرسی است که در روایت اول، همراهی با کودک و تأدیب آن در یک دوره جمع شده است؛ ولی در روایت بعدی، دوره دوم به تأدیب توصیه شده و در دوره سوم به همراهی با فرزند اشاره شده است. نکته متفاوت این روایت با دیگر انواع آنها، تفاوت زمانی است؛ در مرحله اول، شش سال گفته شده و در دوره پایانی، هفت سال مطرح شده است.

«الغلام یلعب»

این عبارت نیز از امام صادق(ع) با دو نقل آمده است:

«الغلام یلعب سبع سنین، ویتعلم الكتاب سبع سنین ویتعلم الحلال والحرام سبع سنین»؛ فرزند هفت سال بازی می‌کند و هفت سال کتاب را یاد می‌گیرد و هفت سال حلال و حرام را آموزش می‌بیند. (کنی، ۱۳۸۸، ج ۶: ۴۷)

«الغلام یلعب سبع سنین، ویتعلم الحلال والحرام سبع سنین»؛ فرزند هفت سال بازی می‌کند و هفت سال حلال و حرام را آموزش می‌بیند. (نوری، ۱۴۰۸، ج ۱۵: ۱۶۵)

واژه «یلعب» به صراحت به بازی کردن اشاره دارد و بی‌نیاز از توضیح است. در حدیث اول به سه دوره و در حدیث دوم به دو دوره اشاره شده است. در هر دو روایت، برای مرحله اول از عبارت «الغلام سبع سنین» و برای دوره پایانی از عبارت «یتعلم الحلال والحرام» استفاده شده است. در روایت اول، دوره میانی به تعلیم اختصاص داده شده و در دوره سوم به تعلیم حلال و حرام توصیه شده است؛ یعنی هفت سال دوم به آموزش پرداخته شود و هفت سال سوم به یاد دادن حلال و حرام؛ ولی در روایت دوم، بعد از دوران بازی، بلافاصله آموزش حلال و حرام توصیه شده است. می‌توان نتیجه گرفت که هر دو روایت بر تعلیم و آموزش بعد از هفت سالگی تأکید دارند؛ یعنی هفت سال اول، زمان بازی، بدون هر آموزش و تعلیمی است.

به طور کلی، از مجموع این عبارات چنین به دست می‌آید که دوره نخست، سه ویژگی اساسی دارد: آزادی عمل کودک در بازی کردن و اجابت درخواستهای او؛ انعطاف به خرج دادن و داشتن آرامش در هنگام مواجهه با شیطنتهای کودک؛ فرصت دادن و اجازه بروز و ظهور دادن به کودک برای بازی کردن.

از نظر ژان پیاژه (۱۳۹۴: ۳۳) رشد ذهنی و شناختی کودک مراحل دارد که اولین مرحله آن دوره حسی - حرکتی (از تولد تا دو سالگی) است. در این دوره، کودک با تأثیر گذاشتن بر محیط به وسیله چشمها و گوشها و دستها و دهان، فکر می‌کند و برای حل مسائلی ساده، روشهایی را ابداع می‌کند. پیاژه (همان: ۲۹۰) دوره بعد را (دو تا هفت سالگی) دوره اعمال ملموس نامیده است. در این دوره، کودک برای بازنمایی کشفیات حسی - حرکتی قبلی خود، از نمادها استفاده می‌کند. به نظر می‌رسد بهترین راه برای گسترش آن کشفیات، «فرصت دادن برای بازی» است. در این دوران است که می‌توان با بازی قوانین را به او آموزش داد.

به گفته فیلیپ رایس (۱۳۹۸: ۲۹۶)، پیاژه این مرحله را مرحله پیش عملیاتی تفکر نامیده است. به عقیده پاپالیا، آلدز و فلدمن (۱۳۹۷: ۲۷۸)، مهم‌ترین تحول در این مرحله، گسترش چشمگیر از تفکر نمادین یا توانایی بازنمایی (خودپنداره‌ای گسترده که سبب تلفیق ابعاد گوناگون خود می‌شود) است. برک (۱۳۸۱، ج ۱: ۲۵۵)

### محمدتقی مبشری و فهیمه سادات مشعشع ❖ 301

معتقد است سلامت روانی انسان را می‌توان در سالهای آغازین زندگی ردیابی کرد، به خصوص در کیفیت روابط کودک با والدین.

به گفته افروز (۱۳۸۹: ۵۲) در دوران سیادت و بازی، والدین با مهر و محبت به فرزندان، خانه را محل امن و مأمنی قابل اعتماد به فرزند معرفی می‌کنند. در این صورت است که استعداد های کودک به خوبی پرورش می‌یابند.

به اعتقاد شرفی (۱۳۶۸: ۶۸) کودکانی که در اولین سالهای زندگی از محبت و تأمین عاطفی والدین محروم باشند، در خانه احساس ناامنی کرده و همیشه گرفته و سرد برخورد می‌کنند. بر عکس کودکانی که به قدر کافی از محبت و تأمین عاطفی برخوردار بوده‌اند، قدرت تفاهم و همکاری بیشتری دارند. احساس سکون و آرامش می‌کنند، اعتماد به خویشان در آنان قوی است و نسبت به میزبانهای اخلاقی حساس‌اند.

به باور برک (۱۳۸۱، ج ۱: ۲۵۷)، اگر کودکان بدون اعتماد کافی به والدین و احساس فردیت سالم چند سال اول را پشت سر بگذرانند، زمینه مشکلات و ناسازگاری آماده می‌شود. بزرگسالانی در برقراری روابط صمیمی با دیگران مشکل دارند که در دوران کودکی نتوانسته‌اند بر تکالیف اعتماد و خودمختاری کاملاً مسلط شوند.

از مجموع مطالب بیان شده در دوره اول می‌توان به خصوصیات مهم کودکان در این مرحله اشاره کرد و با بررسی این عناصر، در پی یافتن تأثیر و کارکرد آنها در تربیت فرزندان مطیع و صالح بود. مهم‌ترین خصوصیات این دوره عبارتند از: میل شدید به بازی، فرماندهی و سیادت، آزادی و فرصت‌دهی.

#### معانی عبارتهای مرحله دوم

مرحله دوم تربیت با عبارات «عبد»، «یؤدب» و «یتعلم الکتاب» آمده است. «عبد» در لغت به معنای نرمی و انعطاف، انقیاد و خضوع است (ابن فارس، ۱۳۹۹) و در اصطلاح، مملوک بودن و ضد آزاد بودن است (ابن منظور، ۱۴۱۴). ویژگی این دوره در این است که آزاد نیست و باید مطیع و خاضع باشد. «یؤدب» از ریشه ادب، به معنای دعوت به نیکی‌ها و نهی از زشتی‌ها، آموزش آداب و اخلاق حسنه و مؤاخذه به خاطر عدم رعایت آن است (همان). ویژگی این دوره در این است که باید آموزش ببیند و ادب بیاموزد. «یتعلم» از ریشه علم، به معنای اثر گذاشتن و متمایز ساختن است (ابن فارس، ۱۳۹۹). به معنای آموزش دادن و خارج ساختن از جهل هم آمده است. (فراهیدی، ۱۴۰۹)

به گفته برک (۱۳۸۱، ج ۱: ۳۵۳)، از نظر پیازه دوره بعدی، دوره عملیات عینی (۷ تا ۱۱ سالگی) است. در این دوره، استدلال کودک منطقی می‌شود و اشیا را در طبقات و زیرطبقات سازمان می‌دهد؛ یعنی می‌تواند

### 302 ♦ مطالعه تطبیقی روایت سبع سنین با نظریات تربیتی

آموزش ببیند؛ ولی هر مقدار این آموزش عینی باشد، بهتر است؛ یعنی از آموزش تئوری صرف در این مرحله باید دوری کرد. به باور وی، فرزندان در دوران کودکی فقط از تمایلات و خوشی و لذت خویش پیروی می‌کند؛ ولی در دومین مرحله که «دیگر پیروی» نامیده می‌شود، مرحله عملیات منطقی، عینی و همزمان با سنین دوره دبستان شکل می‌گیرد. او در این دوره به اراده بزرگسالان مداخله ذهنی نمی‌کند و می‌داند که آنچه بزرگسالان گفته‌اند باید صحیح و قابل قبول باشد. به باور پاپالیا و همکاران (۱۳۹۷: ۳۹۷)، کودکان گذشته در این دوره عزت نفس پیدا می‌کنند؛ زیرا قادر خواهند بود کارهای خود را ساماندهی و به انجام برسانند.

برک (۱۳۸۱، ج ۱: ۴۶۶) معتقد است از جمله عوامل مؤثر بر عزت نفس، چگونگی فرزندپروری و فرهنگ است و این دوران را دورانی می‌داند که فرزندان با ارزشهای والدین و دلایلی که در پس آنها قرار دارد، آگاه می‌شوند و به تدریج به اعتبار و عقاید والدین پی می‌برند و بسیاری از آنها را درونی می‌کنند.

به گفته شرفی (۱۳۶۸: ۹۷) در مرحله دوم، کودک برای سازندگی و هماهنگی با نظم اجتماعی تلاش می‌کند و با والدین خود همانندسازی می‌کند. وی معتقد است این دوره با دوره دوم روایت سبع سنین مشابهت دارد.

به اعتقاد باهنر (۱۳۹۱: ۵۴)، معیارهای اخلاقی احساس گناه و درک مسئولیت در دوره دوم، به رفتار محبت آمیز والدین در دوره اول بستگی دارد. به وجود آمدن این کیفیت، به دو عامل همانندسازی با والدین و ترس از دست دادن محبت و توجه آنان وابسته است. اگر والدین نسبت به فرزند خویش توجه و محبت نشان داده، او را مورد لطف و تشویق خود قرار دهند، کودک نیز با آنها همانندسازی می‌کند و معیارهای والدین را به عنوان اصول اخلاقی خویش می‌پذیرد. این فرایند را «درون فکنی» می‌خوانند و تخطی از آنها در او ایجاد اضطراب، ترس و گناه خواهد کرد. لذا برای کاهش این ترس، از فرمانها و خواسته‌های آنان تبعیت می‌کند.

به باور ادیب (۱۳۹۰: ۴۵)، دومین مرحله زندگی کودک که دوره اطاعت نام دارد، با تغییرات قابل ملاحظه‌ای در جسم و روان کودک همراه است. جسم کودک قوی می‌شود و ادراکش رشد می‌کند و قدرت تشخیص خوب از بد را می‌یابد. عالم زاده نوری (۱۳۸۷: ۸) می‌گوید: در این دوره، فرزند پذیرای هر گونه امر و نهی و فرمان و حکمی از ناحیه بزرگ ترهاست و کمال او در مقام اطاعت و فرمانبرداری و اجرای بی چون و چرای اوامر آنهاست.

#### معانی عبارتهای مرحله سوم

مرحله سوم تربیت با عبارات «وَزیر»، «یَسْتَحْدِمُ»، «أَلْزَمَهُ نَفْسَكَ»، «ضُمَّهُ إِلَيْكَ» آمده است. وزیر از ماده و زر، به معنای ثقل و سنگینی است و وزیر کسی است که بار سنگین شخص دیگری را به دوش می‌کشد (ابن فارس،



### محمدتقی مبشری و فهیمه سادات مشعشع ♦ 303

۱۳۹۹). یستخدام از ماده خدم، به معنای طواف و چرخیدن چیزی دور چیز دیگر است (همان). الزام از ماده لازم، به معنای همراهی طولانی و پیوسته و جدانشدن است (همان). ضم نیز به معنای دو چیز را با هم جمع کردن و همراه کردن است. (ابن منظور، ۱۴۱۴)

به گفته ویلیام کرین (۱۳۹۷: ۲۲۰، ۲۲۴)، پیازه این دوره را (از ۱۱ سالگی به بعد) دوره عملیات ذهنی نامیده و معتقد است نوجوانان می توانند بر اساس اعمال ذهنی خود، به طور نظام مند فکر کنند. در این مرحله نوجوان درمی یابد این رویدادها، تنها بخشی از دامنه وسیعی از احتمالات نظری اند و ترجیح می دهد به مسائل دشوارتری توجه کند. با توجه به این ویژگی هاست که واژگانی همچون: «وزیر»، «یستخدام»، «الزمه نفسک» و «ضمه الیک» ترجمه می شود.

برک (۱۳۸۱، ج ۲: ۶۶) این دوره را دوره ای می داند که والدین باید به نوجوانان کمک کنند تا بتوانند بین آرمان و واقعیت، موازنه بهتری برقرار سازند.

مرحله هفت سال سوم هر چند از نظر سنی تطابق کامل با نظریه پیازه ندارد؛ ولی از نظر ماهیت دوره، قابل توجه است؛ زیرا پیازه مرحله بعد را، یافتن قدرت تفکر انتزاعی می نامد و روایت سبع سنین در این مرحله، به آموزش احکام فرمان می دهد. این فرمان را می توان نشانه تغییر توان ذهنی نوجوان دانست؛ یعنی از آموزش ساده به مراحل آموزش جزئیات و نکات دقیق تر پیشرفت می کند و این نمایانگر رشد توان ذهنی اوست. پس تأکید روایت بر شروع آموزش از دوره دوم، به دلیل مراحل رشد ذهنی کودک است و اگر در آموزش تعجیل کنیم، به هدف مد نظر نخواهیم رسید.

به گفته باهنر (۱۳۹۱: ۶۸)، گلدمن برای یافتن مراحل رشد تفکر مذهبی، تحقیقی را به انجام رساند. او برای آنکه دریابد سه مرحله «تفکر شهودی، عملیات عینی و تفکر صوری» پیازه که در آن آموزش میسر بوده و مقارن با سالهای تحصیل در مدرسه است، آیا در حوزه تفکر دینی نیز صادق است یا خیر! داستانهای مذهبی را برای کودکان تعریف می کرد و درباره داستان از آنها سؤالاتی می پرسید. او با این روش، وجود سه مرحله مذکور توسط پیازه را در سیر تکامل تفکر دینی، تأیید کرد؛ البته با این تفاوت که مرحله عملیات عینی زمان بیشتری را به خود اختصاص می دهد و تا حدود سن عقلی ۱۳ یا ۱۴ سالگی ادامه می یابد. وی دریافت که توانایی کودکان برای فهم دین، مرحله به مرحله رشد می یابد و یک سیر تدریجی و مستمر در عبور از این مراحل وجود دارد. بدین ترتیب، او مراحل تفکر مذهبی را با توجه با اصطلاحات پیازه، به سه دوره اصلی «تفکر مذهبی شهودی»، «تفکر مذهبی عینی» و «تفکر مذهبی انتزاعی» تقسیم بندی کرد. نکته جالب توجه تحقیقات گلدمن این است که سنین رشد تفکر مذهبی او با روایت سبع سنین تطابق بیشتری دارد. به گفته رایس (۱۳۹۸: ۳۰۲)، اریکسون معتقد است آزمایش اصلی و روانی اجتماعی نوجوانی، هویت یابی

### 304 ♦ مطالعه تطبیقی روایت سبع سنین با نظریات تربیتی

است. آرمانهای سیاسی و مذهبی معمولاً در مرحله نوجوانی آزموده می‌شوند. این مطلب نیز مؤید سخن گلدمن است. پاپالیا و همکاران (۱۳۹۷: ۵۲۷) نیز به این نکته اشاره دارند که نوجوانان اطلاعات و مهارت‌ها را بیشتر با انگیزه شخصی یا با هدف آمادگی برای مشارکت در جامعه کسب می‌کنند.

بنابر این، سومین مرحله از تربیت فرزند را که پیامبر اسلام (ص) آن را «دوره وزارت» نام نهاده‌اند، از ۱۴ سالگی شروع و تا ۲۱ سالگی ادامه می‌یابد؛ دوره‌ای که به دوره بلوغ معروف است. بلوغ، مرحله حساسی است که در آن برخی تغییرات جسمی همراه با رشد عقلی صورت می‌گیرد. دوره بلوغ، دوره اسرار آمیزی است. تحولات جسمانی، عاطفی و عقلانی در این دوره به حدی زیاد است که برخی روان‌شناسان آن را دوره طوفان و بحران نامگذاری کرده‌اند. این دوره، مثل دوره‌های دیگر از ویژگی‌هایی برخوردار است و روایت سبع سنین در آن دوره توصیه‌های خاصی را ارائه داده است

#### ۲. تحلیل جامع

برای رسیدن به مفهوم کامل از دوره‌های مذکور، علاوه بر دقت بر معنای همان دوره، می‌بایست مفاهیم دوره‌های مجاور را از آن دوره کاست، تا به مفهوم نهایی و مطلوب رسید.

ویژگی دوره اول، لزوم توجه به خواست فرزند و آزاد بودن در بازی و همراهی کامل با اوست. بنابراین، لازم نیست مطیع باشد، آموزش ببیند و با حلال و حرام آشنا شود و بار مسئولیت بر دوش کشد.

ویژگی دوره دوم، اطاعت و علم و ادب آموزی است. از سویی نباید کودک را در بازی آزاد گذاشت و با او همراهی کامل داشت و از سویی دیگر، لازم نیست پیوسته ملازم والدین باشد و حلال و حرام بیاموزد و مسئولیت بپذیرد.

ویژگی دوره سوم، آموختن حلال و حرام و پذیرش مسئولیت است. نباید فرزند را در بازی آزاد گذاشت و با او همراهی کامل داشت و از سویی دیگر، باید به امر تربیت و آموزش او اهتمام داشت.

عالم زاده نوری (۱۳۸۷: ۵) معتقد است این روایات دارای دو چهره انشایی و اخباری است. از یک سو، توصیفی از چگونگی وضعیت درونی فرزندان در سنین مختلف است و نحوه نگرش کودک به خود را در دوره‌های متفاوت زندگی نشان می‌دهد و از دیگر سو، توصیه و دستورالعملی برای مربیان است تا شیوه برخورد با رفتارها و حالات روحی کودک را در ادوار گوناگون آموزش دهد. این کلام نورانی به زیبایی بیان می‌کند که شیوه برخورد با فرزندان چنین «باید باشد».

### ج) یافته‌های پژوهش

با توجه به تعالیم بیان شده از ناحیه دین، می‌توان موارد ذیل را از ثمرات ارزشمند دوره اول دانست: شکوفایی استعدادهای نهفته، اعتماد به پدر و مادر و آمادگی برای دوران اطاعت. اصولاً منشأ آرامش در جوانی، مرهون تربیت دوران کودکی و سیادت است. آنچه روحیه اعتماد به نفس فرزندان را حفظ می‌کند، آزادی اوست؛ زیرا کودک در این دوره به سادگی تجربه می‌کند. این گونه روحیه اعتماد به نفس در او تقویت می‌شود و در چنین شرایطی، خواستن توانستن می‌شود و فرزند به سوی شخصیتی مستقل، جهت می‌یابد.

از جمله ثمرات ارزشمند دوره دوم نیز می‌توان به: ادب آموزی، آموزش‌پذیری و عبودیت اشاره کرد. حرکت در این مسیر پرمشقت، نیازمند چراغی به نام عقل است که باید به واسطه ادب عبودیت در هفت سال دوم فعال شده باشد. این حد از قانون‌مندی و ادب را تنها کسانی می‌توانند تاب بیاورند که در هفت سال اول، کرامت و سیادت درونی‌شان به واسطه والدین رعایت شده باشد. نتیجه توجه به سیادت کودک در دوره اول، تقویت قوه تفکر در اوست و نتیجه آن در دوره‌های بعد، رهایی از بردگی و حرکت در مسیر بندگی است. بندگی به این معناست که قدرت تشخیص در درون انسان فعال شود.

در خصوص اثرات گرانبهای دوره سوم می‌توان به شایستگی مشورت، همراهی والدین، کار و فعالیت و آموزش احکام اشاره کرد. فرزند با رسیدن به رتبه وزارت، حالات و انتظارات خاصی پیدا می‌کند که باید از طرف والدین به رسمیت شناخته شوند. فاصله گرفتن از این دیدگاه، اعتماد به نفس او را کاهش می‌دهد و او را مجبور می‌کند برای ابراز وجود، به راهکارهای ناصحیح رو بیاورد. در این دوره، اقتدار خانواده کاهش می‌یابد. بر این اساس، والدین باید با او همراه شوند (الزیمه نفسک و ضمّه الیک). کار و فعالیت نوجوان موجب شناسایی و رشد استعدادها و بالا رفتن اعتماد به نفس او می‌شود و نوجوان را برای بر عهده گرفتن مسئولیتهای بزرگ‌تر در آینده آماده خواهد کرد. به نظر شهید مطهری (۱۳۶۸: ۴۱۵)، کار از هر عامل دیگری اگر سازنده‌تر نباشد، نقشش در سازندگی کمتر نیست. در اسلام، بیکاری مردود است. کار برای سازندگی فرد، امری لازم است. کار برای جسم و خیال و عقل انسان ضروری است. بدن انسان اگر کار نکند بیمار می‌شود و کار، عامل حفظ سلامت انسان است. از سویی دیگر، کار موجب تمرکز قوه خیال انسان است و از همه مهم‌تر، انسان را از معطلی و بیهودگی که موجب گناه است، نجات می‌دهد.

### د) بحث و نتیجه گیری

با تحلیل مفهومی روایت سبع سنین و بیان مراحل رشد کودک در تربیت اسلامی، به سه دوره تربیتی دست می‌یابیم. این تقسیم‌بندی، از سویی مشخص می‌کند که تربیت از نظر اسلام به چه میزان حائز اهمیت است و نقش والدین در شکوفایی ظرفیتهای فرزندان به چه میزان است و از سویی دیگر، مشخص می‌شود که رشد فرزندان به صورت مرحله‌ای است. فرزند در هر مرحله، خصوصیات ویژه‌ای دارد که بر اساس نیازهای آن زمان می‌باید رفتار مناسب همان دوره را اتخاذ کرد.

اصل بسیار مهم در زمینه‌سازی و اثربخشی در روایت سبع سنین، اصل محبت است. با مهر و محبت در تمام مراحل، می‌توان اعتماد فرزند را به کانون خانه و خانواده جلب کرد. ابراز محبت در تمام مراحل رشد، مهم و مؤثر است. در دوره اول، به صورت نوازش و پاسخ‌دهی به نیازهای کودک و در دوره دوم، علاوه بر روش‌های قبلی، پذیرش فعالیتهای کودک بر اساس توانمندی‌های اوست. در دوره سوم، علاوه بر روش محبت عمومی، داشتن رابطه دوستی با والدین، محافظ‌قدرتمندی برای نوجوان ایجاد می‌کند و او را از ابراز محبت‌های کاذب در امان خواهد داشت.

پیشنهاد می‌شود برای تحلیل بهتر روایت سبع سنین و رسیدن به یک هدف تربیتی، میزگردی در این باره توسط اساتید گروه روان‌شناسی و علوم تربیتی و گروه الهیات به منظور تبیین ابعاد موضوع برگزار شود. چنین نشست‌هایی می‌تواند راهگشای مشکلات اولیا و مربیان باشد؛ لذا برگزاری دوره آموزشی، امری لازم و ضروری است.

### منابع

- ابن فارس، ابوالحسین (۱۳۹۹). **معجم مقاییس اللغه**. بیروت: دارالفکر.
- ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ ق). **لسان العرب**. بیروت: دار صادر.
- ادیب، مریم (۱۳۹۰). **تربیت دینی کودکان و نوجوانان**. تهران: منادی تربیت.
- افروز، غلامعلی (۱۳۸۹). **روان‌شناسی و تربیت کودکان و نوجوانان**. تهران: انجمن اولیا و مربیان.
- اسلامپور، عسگری (۱۳۸۵). «**روشهای تربیتی در قرآن**». *پاسدار اسلام*، ش ۲۹۷: ۳۸-۴۲.
- الهامی‌نیا، علی اصغر و محمدرضا احمدی (۱۳۷۸). **تعلیم و تربیت در اسلام**. قم: تحقیقات اسلامی سپاه.
- باهنر، ناصر (۱۳۹۱). **آموزش مفاهیم دینی همگام با روان‌شناسی رشد**. تهران: دفتر تبلیغات اسلامی.
- برک، لورا ای (۱۳۸۱). **روان‌شناسی رشد**. ترجمه یحیی سیدمحمدی. تهران: ارسباران.
- پاپالیا، دایان ای؛ سالیوند کاس آلدز و روت داسکین فلدمن (۱۳۹۷). **روان‌شناسی رشد و تحول انسان**. ترجمه داود عرب قهستانی، حمیدرضا سهرابی، فروزنده داورپناه، افسانه حیات روشنایی، سیامک نقشبندی. تهران، رشد، چ ششم.
- پسندیده، عباس (۱۳۹۵). «**روایات سبع سنین در فرزندپروری؛ گونه‌ها و تحلیلها**». *علوم حدیث*، ش ۸۱: ۲۴-۳.
- پیازه، ژان (۱۳۹۴). **روان‌شناسی کودکان**. ترجمه زینت توفیق. تهران: نی، چ سیزدهم.
- خاتمی، سیدجواد و سیله سمیه خاتمی (۱۳۹۲). «**پلدهای اخلاقی تربیتی حدیث الولد سبع سنین**». ش ۱۳: ۱۸۹-۲۰۵.
- رایس، فیلیپ (۱۳۹۸). **رشد انسان**. ترجمه مهشید فروغان. تهران: ارجمند، چ دهم.
- شرفی، محمدرضا (۱۳۶۸). **مراحل رشد و تحول انسان**. تهران: فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- شیخ صدوق، ابی جعفر (۱۴۰۴ ق). **من لا یحضره الفقیه**. قم: اسلامی.
- طبرسی، رضی‌الدین (۱۳۸۱). **مکارم الاخلاق**. بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
- عالم‌زاده نوری، محمد (۱۳۸۷). «**راهنمای تربیت**». *پگاه حوزه*، ش ۲۴۳.
- فراهیدی، الخلیل بن احمد (۱۴۰۹ ق). **العین**. قم: دارالهجره.
- فرهادیان، رضا (۱۳۷۹). **آنچه والدین و مربیان باید بدانند**. قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
- قائمی، علی (۱۳۷۸). **زمینه تربیت**. قم: امیری.
- کرین، ویلیام (۱۳۹۷). **نظریه‌های رشد**. ترجمه غلامرضا خوی‌نژاد و علیرضا رجایی. تهران: رشد.
- کلینی، ابوجعفر (۱۳۸۷). **اصول کافی**. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- محمدی ری‌شهری، محمد (۱۳۸۹). **حکمت‌نامه کودکان**. قم: دارالحدیث.
- مطهری، مرتضی (۱۳۶۸). **تعلیم و تربیت در اسلام**. تهران: سپهر.
- Adib, Maryam (2011). **Religious education of children and adolescents**. Tehran: Monadi-e Tarbiat.

- Afrooz, Gholam Ali (2010). **Psychology and education of children and adolescents**. Tehran: Parents and Teachers Association Publications.
- Alemzadeh Nouri, Mohammad (2008). “**Training guide**”. *Pegah Hoze*, No. 243.
- Bahonar, Nasser (2012). **Teaching religious concepts in line with developmental psychology**. Tehran: Islamic Propaganda Office.
- Berke, Laura (2002). **Developmental psychology**. Translated by Yahya Seyed Mohammadi. Tehran: Arasbaran.
- Crane, William (2018). **Growth Theories**. Translated by Gholamreza Khojnejad & Alireza Rajaei. Tehran: Roshd Publications.
- Elhaminia, Ali Asghar & Mohammad Reza Ahmadi (1999). **Education in Islam**. Qom: Islamic Research Corps.
- Farahidi, Al-Khalil Ibn Ahmad (1409 AH). **The eye**. Qom: Dar al-Hijra.
- Farhadian, Reza (2000). **What parents and educators should know**. Qom: Islamic Propaganda Office.
- Ghaemi, Ali (1999). **Field of education**. Qom: Amiri.
- Ibn Fars, Abu al-Hussein (2020). **Dictionary of Language Comparisons**. Beirut: Dar al-Fikr.
- Ibn Manzoor, Muhammad Ibn Mokarram (1414 AH). **Arabic language**. Beirut: Dar sader.
- Islampour, Asgari (2006). “**educational methods in the Quran**”. *Pasdar-e-Islam*, 297: 38-42.
- Khatami, Seyed Javad & Seyedeh Somayeh Khatami (2013). “**tt hical and educational consequences of the narraiive of the age seven**”. 13: 189-205.
- Koleyni, Abu Jafar (2008). **Enough principles**. Tehran: Dar al-kotob al-Islamieh.
- Mohammadi Rey Shahri, Mohammad (2010). **The Wisdom of the Child**. Qom: Dar al-Hadith.
- Motahhari, Morteza (1989). **Education and training in Islam**. Tehran: Sepehr.
- Papalia, Diana; Salivandkas Olds & Rothdaskin Feldman (2018). **Psychology of human growth and development**. Translated by Davood Arab Ghohestani & et al. Tehran: Roshd Publications, sixth edition.
- Pasandideh, Abbas (2016). “**hhe narraiive of the age seven in pareniing species and analyzes**”. *Hadith Sciences*, 81: 3-24.
- Piaget, Jean (2015). **Child psychology**. Translated by Zinat Tawfiq. Tehran: Ney publishing, 13th edition.
- Rice, Filip (2019). **Human growth**. Translated by Mahshid Foroughan. Tehran: Arjmand Publications, 10th edition.
- Sharafi, Mohammad Reza (1989). **Stages of human growth and development**. Tehran: Islamic Culture and Guidance.
- Sheikh Saduq, Abi Jafar (1414 AH). **What is not present in the eyes of the jurist**. Qom: Islamic Publications.
- Tabarsi, Razi al-Din (2002). **Makarem Al-Akhlaq**. Beirut: Scientific Press Institute.

